

آراستگی و شخصیت پذیری



مقدمه

اگر به آدم‌های گوناگونی که از کنار شما در خیابان مجاور و شلوغ عبور می‌کنند، اندکی تأمل کنید، درباره هر کدام که دارای تیپ و شکل و شمایل خاصی هستند، چه قضاوتی می‌کنید؟

افراد با کت و شلوار، پیراهن آستین‌کوتاه، چادر یا روسری، کفش کتانی، در حال جویدن آدامس، با لباس تعمیرکاری و یا اتوکشیده، کروات و ادکلانی، همراه با کیف دستی پارچه‌ای و یا سامسونت، موهای بلند از پشت بسته یا کوتاه همراه با ته‌ریش، قیافه عبوس و اخمو و یا شاداب و خندان، صورت و چهره زمخت با سبیل کلفت و یا باوقار و آرام، لباس‌های تنگ و چسبان و کوتاه، رنگارنگ و یا تیره و ... به‌راستی درباره هر یک از این‌ها چه قضاوتی می‌کنید؟ آیا ژولیدگی ظاهر و آشفتنگی و برافروختگی چهره، و یا وقار و طمأنینه ظاهر و آراستگی آن، در نوع شخصیت آدمی تأثیرگذار است؟ آیا می‌توان گفت نوع پوشش آدمی برگرفته از جهان‌بینی اوست و انسان‌های مادی‌گرا و یا وابسته به مکتب نهیلیسم یا دین‌داران و مؤمنان الهی در نوع پوشش متفاوتند؟! آیا پوشش برگرفته از فرهنگ آدمی است؟ این قلم بر آن است که به پرسش‌هایی از این دست در قالب چند نکته پاسخ دهد.

بیان‌گر تعلق خاطر آنان به فرهنگ دارد. استفاده و بهره‌گیری از پوشش مناسب با فرهنگ ملی و دینی ایرانی تناسب دارد. استفاده از رنگ‌های شاد و لباس‌های مناسب، نشانه شخصیت ایرانی و دینی مستقل و حکایت از عزت نفس و وابستگی به فرهنگ این مرز و بوم دارد. همان‌گونه که استفاده از کروات، بهره‌گیری از لچک‌های کوتاه، لباس تنگ و چسبان و پوشش ناکافی برای مردان و زنان و اهمیت ندادن به نوع پوشش و حضور در اجتماعات با پوشش نامناسب، حاکی از عدم تعلق خاطر چنین فردی به فرهنگ بومی، ملی و دینی دارد و نشانه وابستگی او به فرهنگ‌های بیگانه است.

ب) آثار و پیامدهای پوشش

علاوه بر آنچه گذشت، پوشش افراد، پیامدها و آثاری نیز در پی دارد و تأثیرگذار بر شخصیت و حاکی از هیمنه آدمی است؛ به برخی از آن‌ها در این‌جا اشاره می‌گردد:

آدم‌های

دم‌دمی‌مزاج و مدپرست

و کسانی که هر روز به دنبال مد و پوشش خاصی می‌روند و دائماً پوشش و سبک آرایش ظاهر خویش را تغییر می‌دهند، معمولاً از ماهواره‌ها و آن سوی آب‌ها آرمان خویش را جست‌وجو می‌کنند و به‌نوعی، افرادی وابسته به فرهنگ بیگانه، غریبه و خودباخته تلقی می‌شوند.

الف) پوشش و شخصیت

۱. نوع پوشش آدمی می‌تواند بیان‌گر نظام فکری و جهان‌بینی و ارزش‌ها و افق‌های فکری حاکم بر او باشد در هر جامعه‌ای نوع پوشش آدمیان، علاوه بر این‌که تابع شرایط اقلیمی و محیطی است، حکایت از جهان‌بینی، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر فرهنگ آن جامعه دارد. زنان مسلمان در یک جامعه دینی با پوشش مناسب در اجتماعات ظاهر می‌شوند.

۲. نوع و سبک پوشش و آرایش و روی‌آوری به تنوع پوششی و نوآوری در پوشش و بهره‌گیری از مدهای متنوع می‌تواند حاکی از شخصیت آدمی و خط فکری او می‌باشد. آدم‌های دم‌دمی‌مزاج و مدپرست و کسانی که هر روز به دنبال مد و پوشش خاصی می‌روند و دائماً پوشش و سبک آرایش ظاهر خویش را تغییر می‌دهند معمولاً از ماهواره‌ها و آن سوی آب‌ها آرمان خویش را جست‌وجو می‌کنند و به‌نوعی، افرادی وابسته به فرهنگ بیگانه، غریبه و خودباخته تلقی می‌شوند. دم‌دمی‌مزاجی، تقلید افراط‌گونه، فقدان ثبات رأی و ... از ویژگی‌های این گونه افراد است.

۳. در همه جوامع، تغییر و تحول و نوآوری همواره امری پسندیده و واپس‌گرایی، تبحر، کهنه‌گرایی و رکود، امری مذموم و ناپسند است و آراستگی ظاهری روزانه، تغییر سبک مو، ظاهر و آتوی لباس‌ها، پیرایش موها در حد اعتدال، چیش اثاثیه منزل و محل کار به سبک زیبا، بهره‌گیری از رنگ‌های جدید نو و شاد و به‌طور کلی آراستگی خود و محیط زندگی و کاری، و تغییر، تحول و نوآوری در آن، حکایت از برخورداری فرد از انضباط درونی، غریزه فطری، وقار، شادابی و خوش‌سلیقگی او دارد. از سوی دیگر، تبحر، آشفتنگی، ژولیدگی، بی‌نظمی، عدم تغییر، یک شکلی و بی‌شکلی و ... نشان از انزواگزینی، رکود و رخوت فرد دارد.

۴. تغییر، تحول و نوآوری باید متعادل باشد اگر نوآوری به معنای گرایش به ایجاد راه‌های جدید و نوین، و اصلاح راه‌های پیشین، برای دسترسی سریع به اهداف مورد نظر باشد، امری پسندیده است. اما اگر نوآوری و تغییر و تحول بر اساس معیارهای عقلانی و منطقی صورت نگیرد، به انحراف کشیده شده، موجب ساخت‌وساز، شکستن هنجارهای موجود و پذیرش افراطی و بی‌حد و حصر هر نوع تغییر و تحولی در جامعه می‌شود.

۵. نوع پوشش آدمیان

۱. آراستگی ظاهری

و خودآرایی فرد و نظافت ظاهری و پاکیزگی او، نقش به‌سزایی در جاذبه ظاهری او داشته، او را از شخصیتی با ثبات و باوقار برخوردار کند.

۲. همواره ظاهر آدمی تا حدود زیادی برگرفته و حاکی از باطن او دارد. ظاهر جذاب، شیک، آراسته، نظیف و ... می‌تواند حکایت از درونی آرام، منظم و فاقد هرگونه آشفتنگی باشد.

۳. خودآرایی و آراستگی، عاملی برای آرامش روحی و روانی آدمی است. در مقابل، آشفتنگی ظاهری و به هم ریختگی، عاملی در بی‌ثباتی و عدم آرامش خاطر و طمأنینه روحی او دارد. آدم‌های باوقار، آراسته و نظیف که فرصت رسیدگی به ظاهر خود دارند حداقل غافل از پردازش باطنی نخواهند بود. اینان از آرامش درونی برخوردارند و افرادی صبور و با حوصله‌ای خواهند بود که کمتر عصبانی می‌شوند.

۴. اگر خودآرایی و آراستگی ظاهری، توأم با رسیدگی باطنی فرد باشد و فرد هم‌زمان با آراستگی ظاهری، اصلاح و آراستگی درونی را بی‌اغراض، این امر موجب تعادل شخصیت آدمی، یک‌رنگی ظاهر و باطن او خواهد شد. یک‌رنگی، پرهیز از دورویی و ریا و عدم تعادل شخصیت فرد و دم‌دمی‌مزاجی، از آفات یک‌بعدی‌نگری است.

اگر خودآرایی و آراستگی ظاهری توأم با خودآرایی و رسیدگی به درون باشد، موجب نفوذ فرد در دل دیگران می‌شود. به عبارت دیگر، محبوبیت و نفوذ در دل و جذابیت ظاهری، ناشی از خودآرایی و رسیدگی به درون و تهذیب نفس است.

۵. لباس زیبا و پوشش مناسب، موجب تقرب به خدا نیز هست. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «خود را به وسیله لباس، زیبا کنید؛ زیرا خداوند زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد.» بنابراین، وقتی آدمی احساس می‌کند با پوشیدن لباس زیبا رضایت محبوب را جلب نموده، زمینه شادابی و نشاط روحی خود را فراهم کرده است. این امر تأثیر فراوانی بر شخصیت او دارد.

۶. لباس تمیز و زیبا و آراستگی ظاهری، غم و اندوه را از انسان می‌زداید؛ چرا که تمیزی و زیبایی، شادابی و نشاط می‌آورد و جایی در دل انسان برای غم و اندوه باقی نمی‌گذارد.

در مقابل، استفاده از لباس‌های تیره، تنگ و چسبان، دل را سیاه می‌کند و آدمی را غم‌دار، این نکته، فحوائی بسیاری از روایات نیز هست.^۱